



نرود تا به قیامت از یاد

نام جاوید شهیدان جهاد

یاد گمنامان گردان ذوالفقار

می کند باز این دلم را بیقرار



به مناسبت سالروز شهادت شهید نظام‌علی عبدی (تاریخ شهادت ۱۳۶۳/۱/۲۸)

زندگینامه شهید گرانقدر تقدیم حضور می گردد .

یکی دیگر از مردان مرد، که عظمت روح و شکوه رفتارشان، خون را در رگ دشمنان افسرده می سازد، شهید نظام علی عبدی بود. مجاهدی که طریقت عشق الهی بود، و راهبرش چون شمع، سوخت تا جمعی را نور بخشد. تاریخ ایران مغرور و سربلند خواهد بود، از نام نامی این « سنگر سازان بی سنگر». نظام علی، دوم اسفند ماه سال ۱۳۱۰ در روستای ابدال از توابع شهرستان زنجان چشم به جهان گشود. خانواده ی متدین و مستضعف وی از طریق کشاورزی کسب درآمد می کردند. نظام علی، از همان کودکی

به کار پر مشقت کشاورزی پرداخت و دوشادوش پدر برای گذران امور خانواده تلاش کرد. در روستای ابدال چندین روحانی آگاه و متعهد زندگی می کردند، که نظام علی از وجود آن ها بهره می برد و با علاقه ی فراوان در سخنرانی ها و برنامه های مذهبی شرکت می کرد. به طوری که رشد و آگاهی وی نسبت به مسایل اعتقادی و سیاسی، روز به روز زیادتیر می شد. بدین ترتیب، نظام علی در کنار حرفه ی شریف کشاورزی، به ندای «ارجعی الی ربک» پروردگارش نیز لبیک گفت. نظام علی هنوز جوان بود، که پدر گرامی اش را از دست داد. بعد از این اتفاق، مسئولیت مادر و مابقی افراد خانواده بر دوش وی افتاد، او برای تامین نیازهای اقتصادی خانواده، تمام وقت در مزرعه کار می کرد. درگیر و دار سال ۱۳۵۷، که به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد، نظام علی نیز در همان روستای محل تولدش به تهییج جوانان و مردم می پرداخت، بدین ترتیب، او نیز به جمع عاشقان اسلام و انقلاب و امام (ره) پیوست. پس از تشکیل جهاد سازندگی، به فرمان امام خمینی (ره)، وی از نخستین کسانی بود که به جمع جهادگران زنجان پیوست، او بسیار علاقمند بود تا به یاری مظلومان فلسطین بشتابد. اما چیزی نگذشته بود که صدامیان بعثی حمله به خاک میهن اسلامیمان را آغاز کردند و نظام علی حفاظت از خاک ایران را بر رفتن ترجیح داد. نخستین بار که قصد کرد به جبهه برود، همسرش اظهار نگرانی کرد و از این که با چهار فرزند خردسال شان تنها می ماند، ناراحت بود. نظام علی با چهره ی گشاده، هدف مقدسش را برای همسرش تشریح ساخت و او را راضی کرد. سپس از طریق دفتر پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان زنجان، در سه نوبت، در سال ۱۳۶۰ به مناطق دهلران و مهران عزیمت کرد. حدود یک سال در این مناطق به رزمندگان اسلام یاری رساند، تا آن که سرانجام به نزد خانواده برگشت، و در جهاد سازندگی استان زنجان برای مدت ۶ ماه به کار مشغول شد. ولی دوری از جبهه و جنگ او را دلتنگ می ساخت. نظام علی که با معنویت و صفای وجود رزمندگان خو گرفته بود، حضور در جبهه را با هیچ چیز دیگر عوض نمی کرد. از این رو، برای بار دیگر در تاریخ ۱۳۶۲/۵/۲۳ به جبهه ی کردستان رفت. حدود ۷ ماه در سقز بود. این ۷ ماه جزو پر برکت ترین روزهای عمر نظام علی به حساب می آمد. آخرین باری که نظام علی برای مرخصی به زنجان برگشت، تمامی دوستان و بستگان، آشکارا می دیدند که رفتارش به کلی عوض شده است. حال و هوای دیگری دارد. تمام صحبت های او دور موضوع شهید و منزلت او نزد خداوند می چرخید.





نرود تا به قیامت از یاد

نام جاوید شهیدان جهاد

یاد گمنامان گردان ذوالفقار

می کند باز این دلم را بیقرار

روح پر تلاطم و عاشق این جهادگر مخلص، مانع از پذیرش سخن فرمانده پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی زنجان مستقر در سقز می شد، که بارها به او گفته بود: « شما با داشتن شش فرزند بهتر است که در خط دوم به تدارکات رزمندگان بپردازید.» زیر او از همه چیز خود گذشته، وجودش را به خدای خویش عاریت داده و با جان و مالش با معشوق معامله کرده بود و چه معامله با خداوند؟! از آرزوهای همیشگی این سنگرساز بی سنگر، زیارت حضرت امام خمینی (ره) بود، در این خصوص می گفت: « نمی دانم آیا لیاقت آن را دارم که به دیدار امام شرفیاب شوم و بر دست های مبارک ایشان بوسه زنم و بگویم: اماما! ما تو را دوست داریم و تا آخرین قطره ی خونمان یاریت خواهیم کرد.»

او در تربیت فرزندانش اهتمام خاص داشت به همسرش توصیه کرده بود: « بچه ها را طوری تربیت کن که قدر خون شهیدان را بدانند و ادامه دهنده ی راه آنان باشند.» در آخرین روز حضور میان دوستان و آشنایان و خانواده از همه حلالیت طلبیده، گفته بود: « می روم اما برگشتی در کار نیست. اگر در حق شما بد کرده ام مرا ببخشید.»

سرانجام این ره پوی طریق حق که ساده زیستی، به ویژه در خوراک و پوشاک، از خصوصیات بارزش بود و چون دیگر مردان خدا دنیا را بازیچه می پنداشت، « انما الحیوه الدنیا لعب و لهو» و خور و خواب و خوش گذرانی را هدف خویش نمی دانست، مومن به عبادت خدا و تلاش برای حاکمیت موازین اسلام بود، ۲۸ فروردین ماه سال ۱۳۶۳ در منطقه ی کردستان جاده زنجان - بیجار پس از عمری تلاش و ایثار در راه به ثمر رساندن آرمان اسلامی و انسانی اش به شهادت رسید.

جهادگر سنگر ساز نظام علی عیدی همواره به خانواده و دوستانش می گفت: « مهریه ی این انقلاب، خون شهیدان است و ما باید آن را هم چون کتاب آسمانی مان قرآن حفظ و نگهداری نماییم، تا هیچ کس نتواند به آن لطمه ای وارد سازد» وی ۷ فرزند - چهار دختر و سه پسر داشت، در هنگام شهادت ۵۳ ساله بود.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

با صلوات بر محمد و آل محمد و با قرائت فاتحه ای روح آن مرحوم عزیز را شاد گردانیم .



»»» اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان «««